فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۹، شماره ۳، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۲۱۸-۱۹۷

پیامدهای حجاب در دیدگاه امام خمینی (ره)

دکتر حسین ایزدی[۱]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده:

این پژوهش به دنبال بررسی نظرات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی پیرامون «حجاب» است؛ آنچه که به‌عنوان سؤال اصلی در این پژوهش مطرح می‌شود، این است که حجاب از نظر امام خمینی چیست؟ و دارای چه پیامدهایی است. برای پاسخ به این سؤال با استفاده نظرگاه تغییرات فرهنگی و رویکرد تکامل فرهنگی و با استفاده از روش تحلیل مضمون به صورت توصیفی به دنبال بررسی متون به جای مانده از ایشان پیرامون این مضمون مرکزی هستیم. نتایج حاصله از این مطالعه نشان می‌دهد که از یک سو دیدگاه ایشان مبتنی بر این است که مقابله با حجاب یک امری انتقالی جانبدارانه در زمینه تکامل فرهنگی غرب و ایران دوران پهلوی داشته است؛ به صورتی که هر دو نظام شاهنشاهی و حامیان غربی او به قوه قهریه سعی در حذف آن می‌کردند و می‌کنند. از سوی دیگر مضمون دیگر مبتنی بر اختیار در حوزه تحول فرهنگی است که زن دارای حجاب هم در نهضت مشروطه فعالیت می‌کند، هم در انقلاب حضور دارد و هم در زمان جنگ، ظهور و بروز دارد.

مفاهیم کلیدی: *حجاب، امام خمینی (ره)، تحلیل مضمون، تکامل فرهنگی، تغییرات فرهنگی*

[۱] استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران h.izadi@scu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های مشخصی در مورد حجاب زنان داشت که بر اساس تفسیر او از احکام اسلامی شکل گرفته بود. این دیدگاه وقتی به صورت خاص مهم‌تر به نظر خواهد رسید که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ رسماً به‌عنوان بالاترین مقام سیاسی جامعه شناخته می‌گردید؛ و این در حالی بود که فرهنگ زنان مسلمان و فرهنگ زنان ایرانی طی ۵۰ دهه قبل از سوی نظام سیاسی قبلی، با تغییرات مختلفی مواجه گردید. یکی از مهم‌ترین این تغییرات که به شدت از سوی بدنه روحانیت مورد نقد جدی قرار گرفته بود، بحث حجاب در میان زنان ایرانی بود. بعد از شروع اصلاحات پهلوی اول، زنان نیز مشمول فرم جدیدی از لباس در جامعه شدند. این فرم جدید موجب ایجاد تغییر اساسی در نوع پوشاکی گردید که در طی سالیان متمادی به‌عنوان سمبل یک زن مسلمان شناخته می‌شد. هر چند در زمان پهلوی دوم عملاً برخوردارهای قهری در زمینه پوشاک از سوی حکومت به پایان رسید، اما فرایند تغییر ظاهر زنان هم‌چنان ادامه داشت و تا قبل از انقلاب فضای جامعه، به سمتی رفت که در نهادهای حکومتی زنان فاقد حجاب اسلامی مشارکت پیدا کرده بودند و ظاهری را متجلی کردند که به هیچ عنوان با ظاهر مورد نظر دینی ارتباط نداشت.

بعد از انقلاب یکی از تغییرات اجتماعی، تغییر در سطح نحوه پوشش زنان بود، این تغییر مبتنی بر نگاه فقهی و شرعی از سوی حاکم اسلامی زمان (امام خمینی (ره)) مورد توجه قرار گرفت. در این نوشتار به دنبال آن هستیم که توضیح دهیم، مضمون دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی در رابطه چیست؟ و چه پیامدهایی بر گفتار ایشان حاصل می‌گشته است به بیان دیگر سؤال اصلی این پژوهش این است که امام پیرامون حجاب چه دیدگاهی را داشته‌اند؟ برای رسیدن به یک شناخت جامع سعی کردیم که ابعاد و مضامین مختلف که ارتباط نزدیک برای آن دارند را در قالب یک شبکه از مضامین در این نوشتار توضیح دهیم.

ادبیات نظری پژوهش

برای پژوهش جاری شاید بتوان پیشینه‌هایی یافت که در مورد خود موضوع مورد مطالعه به صورت خاص، تحقیقی ارائه نداده باشند؛ اما مطالبی را مطرح کرده‌اند که می‌تواند به تحقیق جاری و رسیدن به نتایج دقیق‌تر یاری رساند. در این بخش پشینه را در قالب پیشینه تاریخی و پیشینه علمی ارائه می‌دهیم. از این رو به تعدادی از این تحقیقات اشاره می‌کنیم.

۱- پیشینه تاریخی

قدر مسلم آن است که قبل از اسلام در بعضی ملت‌ها حجاب وجود داشته است. در ایران باستان و در میان قوم یهود و به‌طور احتمال در هند به حجاب اهمیت داده و ملتزم بوده‌اند (*Parsa, 1998:17*). در مورد عرب قبل از اسلام (دوره جاهلیت به تعبیر متون دینی) در مورد حجاب اختلاف نظر هست. بعضی معتقدند که اسلام ابداع‌کننده حجاب بوده و عده دیگری از این نظر تبعیت کرده‌اند که حجاب مورد توجه بوده ولی التزام و اعتقاد به آن یکسان و همواره با یک درجه و سطح نبوده است. در زمانه و شرایطی به مسأله پوشش زنان بیشتر توجه و در دوره‌ای دیگر این توجه کاهش می‌یابد. یکی از دانشمندان پیرامون این نکته متذکر می‌شود که اقوام عرب از اقوامی بوده‌اند که قبل از ظهور اسلام تا حدودی حجاب بین زنان سست شده بود و برخی از فرو مایگان به خودنمایی و «تبرج» می‌پرداختند. جرجی زیدان و دکتر محمد حسین هیکل نیز مطالب فوق را تأیید و «خودآرایی» و آرایش خود را به چشم دیگران عرضه کردن را به زنان جاهل و فرومایگان اجتماع نسبت می‌دهند (*Ravandi, 1973, 201; Heykel, 1947:233*).

در ایران باستان دوره هخامنشیان زنان از پارچه شنل‌مانندی که روی سر می‌انداخته‌اند و حالتی شبیه به چادر داشته است، استفاده می‌کردند (*Hejazi, 1995:114-115*). در دوره اشکانیان زنان لباس بر تن می‌کردند که تا زانوی آنان پوشیده می‌شد و نیز نقابی داشتند که بر سر می‌آویختند و دستاری بلند نیز که نقاب روی آن بود، که پوشش زنان این دوره را تشکیل می‌داده است (*Parsa:1998:66*).

در دوره ساسانیان لباسی پرچین و گشاد پوشیده می‌شد که تا وسط ساق پا را می‌پوشاند (*Hejazi, 1995:197-198*). با ظهور اسلام و گرایش مردم ایران به اسلام حجاب و حفظ بدن از دید دیگران تداوم یافت ولی در دوره‌هایی مانند هجوم مغولان و دوره تیموریان با پیروی از این اقوام که از نظر تمدن و فرهیختگی در سطح نازل‌تری بودند. حجاب اهمیت خود را از دست داد. این مورد را اشیولز نویسنده تاریخ مغول در ایران و راوندی در تاریخ اجتماعی ایران به نقل از سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، تأیید می‌کند، آن چنان که یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد، زنان مغول تا پایان قرن هفتم بی‌حجاب بودند (*Ravandi, 1973:698; V. 3*).

در عصر صفویه در برهه‌هایی هم چون دوران شاه طهماسب زنان بسیار محدود و در نتیجه دور از دیدگاه و محجوب بوده و سیاست بر این مدار بود. ولی در زمان شاه عباس، زنان روی اسب نشسته و با روی باز (بدون پوشش) به شکار می‌پرداختند و حتی به نقل از فلسفی

در شب‌های عید و شادی بازارها و اماکن عمومی در تصرف زن‌ها بود (*Ravandi, V. ;1973:245-256*). در دوره قاجار سخت‌گیری نسبت به حجاب به اندازه دوره اولیه صفویه نبود، ولی در این دوره نیز قدم تازه‌ای برای بیرون رفتن از حجاب و پوشش برداشته نشد ولی با توسعه رفت و آمد به اروپا و مسافرت افراد مرفه و ممتاز به آن جا به گفته نویسنده «سه سال در ایران» گردشگاه‌ها، باغ‌های عمومی و حتی مجالس روضه و تعزیه، زنان و مردان در کنار هم شرکت و هم دیگر را می‌دیدند (*Count de Gobineau, 1977:62*).

۲- پیشینه علمی

در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نقش امام خمینی قدس سره در تحقق استعلای گفتمان اسلام‌گرایی در جریان انقلاب اسلامی ایران» نویسندگان سعی کرده‌اند با استفاده از روش تحلیل گفتمان و با استفاده از رویکرد "لاکلا و موف" به این سؤال پاسخ دهند که: چگونه رهبری انقلاب توانست گفتمان اسلام‌گرا را در تقابل با گفتمان حاکم و در رقابت با گفتمان‌های رقیب موجود، به یگانه گفتمان هژمون تبدیل کند؟ پاسخ این محققین به این سؤال این است که مهم‌ترین عاملی که باعث ایجاد چنین مسئله‌ای شد بحث رهبری امام خمینی (ره) بوده است. به‌عبارت دیگر نقش امام، مهم‌ترین عاملی است که موجب ایجاد چنین جریانی شده است (*Akhavan Kazemi; et.al, 2015*).

در مقاله‌ای با عنوان«فعالیت‌های اجتماعی زن و تزاحم آن با حقوق زوج با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)» نویسندگان در پی پاسخ به این سؤال خود هستند که به دنبال برای حضور زنان در فضای اجتماعی بر اساس نگاه فقهاء، چگونه می‌توان، بر اساس متون دینی، این نگاه را رقم زد؟ پاسخ نویسندگان بر اساس مطالعاتی که در این موضوع داده‌اند استفاده از یک قاعده فقهی است. برای تبیین و توجیه این مسئله از دیدگاه‌های امام خمینی (ره) استفاده شده است؛ تا حدودی در این مقاله برخی ابعاد فقهی نگاه حضرت امام به زنان را می‌توان دریافت (*Tavajohi, Hagh Mohammadifard, 2011*).

شاید یکی از معدود کارهایی که در ارتباط با نظر امام پیرامون زنان به نگارش درآمده است، مقاله «بررسی گفتمان امام خمینی (س) در مورد زنان» است. هر چند در عنوان بحث گفتمان مطرح شده است ولی نویسنده سعی کرده است که ابعاد مختلف نظر امام را در مورد زنان به صورت توصیفی ارائه دهد. تنها کاری که نویسنده در این نوشتار به‌صورت خاص انجام داده است، سعی کرده بر اساس زمان‌های مختلف، دیدگاه امام را پیرامون زنان مورد بررسی

قرار دهد. در این بین چیزی که مشخص است، این نکته است که دیدگاه امام نسبت به مقاطع مختلف زمانی نسبت به زنان دچار تغییراتی شده است (*Kadivar, 2009*).

هر چند دو کتاب پیرامون زنان از دیدگاه امام از سوی مراکز پژوهشی ارائه شده است، اما این کتاب‌ها صرفاً مواد خامی است که در قالب انعکاس نظر امام بوه است و هیچ توضیح و تفسیری در این زمینه انجام نپذیرفته است. در مجموع تحقیقات و نوشته‌های گذشته پیرامون این مضمون، در حد بررسی مقدماتی است و نتایج و یافته‌ها چندان در این پژوهش نمی‌تواند راه‌گشا باشد.

مفاهیم پژوهش

از آنجا که در این تحقیق مضمون مرکزی به مفهوم حجاب اختصاص داده شده است، مهم‌ترین بحثی که باید در بخش مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری ارائه داد مربوط به بحث پیرامون شناخت دقیق آن در ادبیات حوزه مورد مطالعه خواهد بود. هر چند به فراخور بحث اشاره‌هایی هم به ابعاد دیگر این موضوع خواهد، شد.

حجاب در لغت به معنای پرده و پوشش و حایل (جداکننده، فاصله) بین دو چیز است. زن محجوب (اسم معفول از حجاب) زنی است که با پوششی خود را پوشانده باش. (*Ebne Manzour, 1413:50*).

مقصود از حجاب در بحث‌های فقهی و در جوامع اسلامی، پوشاندن زن، بدن خویش را بر طبق موازین شرعی از دید کسانی که با او قرابت و خویشی نداشته و به اصطلاح مَحرم او نیستند، می‌باشد (*Researchers at the Center for Quranic Culture and Education, 2007: 348*)

در فقه، حجاب یعنی پرده و پوشش. در اسلام اساس حجاب برای زنان و مردان واجب است؛ یعنی زنان باید از نامحرم خود را بپوشانند و همین‌طور مردان. حجاب برای زن پوشانیدن تمام بدن است به جز صورت و دو دست (از مچ تا انگشتان) از غیر مَحرم، و برای مردان پوشاندن جایگاه‌هایی از بدن است که دیدن آن برای دیگران تحریک کننده شهوت جنسی است (*Sajadi, 1899:231*).

عفاف چون حجاب بر وزن فعال است و برای رعایت نثر، عفاف استعمال می‌شود. عفت حالتی از حالت‌های نفس است که با وجود آن شهوت نمی‌تواند بر نفس غلبه کند (*Alragheb Alesfahani, 1991:573*).

عفت، اطاعت و پیروی کامل قوه شهویه در مقابل امر و نهی عقل است که این اطاعت با به مسیر صحیح بردن قوۀ شهوت از راه ازدواج و نیز صرف غذا به مقدار متعادل بر مبنای عقل و عرف می‌باشد (*Researchers at the Center for Quranic Culture and Education, 2008: 423*).

نظریه‌های پژوهش

رهبران روحانی به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در شکل‌گیری و تغییر فرهنگ جوامع شناخته می‌شوند تغییرات فرهنگی یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رهبران روحانی قرار می‌گیرد. رهبران روحانی به دلیل نفوذ معنوی و اجتماعی که دارند، می‌توانند نقش مهمی در تغییر ارزش‌ها، هنجارها و باورهای جامعه ایفا کنند.

مفهوم تغییر در مقیاس فرهنگی احتمالاً شامل عناصر متعددی از جمله تکامل ایده‌ها، پالایش شیوه‌ها، واکنش‌ها به تغییرات در امکانات اجتماعی ـ اکولوژیکی و ... می‌شود. به بیان دیگر تغییرات فرهنگی تغییراتی هستند که در ایده‌ها، هنجارها و رفتارهای یک گروه از مردم (یا تغییرات در محتوا یا موضوعات محصولات آن‌ها که بازتاب‌دهنده این تغییرات است) در طول زمان، معمولاً در مقیاس دهه‌ها یا قرن‌ها، رخ می‌دهند (*Kamihsa, 2014*).

یکی از رویکردهای خاص به مطالعات تغییرات فرهنگی، رویکرد تکامل‌گرایی فرهنگی است. رویکرد تکامل فرهنگی به مطالعه تغییرات فرهنگی با تأکید بر فرآیندهای تکاملی در توسعه و انتقال فرهنگ می‌پردازد. این رویکرد بر این ایده استوار است که فرهنگ، مشابه با تکامل بیولوژیکی، از طریق انتقال اطلاعات، تولید و تغییر می یابد. به‌عبارت دیگر، ایده‌ها، باورها، هنجارها و رفتارهای یک گروه، به مرور زمان تکامل یافته و تغییر می‌کنند (*Norenzayan, 2010*).

در مرکز رویکرد تکامل فرهنگی، مفهوم انتقال اطلاعات قرار دارد. بر خلاف رویکردهای سنتی که بر عوامل اجتماعی یا تاریخی تأکید دارند، این دیدگاه معتقد است که تغییرات فرهنگی عمدتاً از طریق فرآیندهای انتقال اطلاعات از یک فرد به فرد دیگر، یک نسل به نسل دیگر و یا یک گروه به گروه دیگر رخ می‌دهند. این رویکرد، فرهنگ را به‌عنوان یک سیستم پویا و در حال تکامل در نظر می‌گیرد که از الگوهای مشابهی با تکامل بیولوژیکی پیروی می‌کند. در این الگو، ایده‌ها، باورها و رفتارهای فرهنگی به‌عنوان واحدهای اطلاعاتی عمل می‌کنند که به‌طور انتخابی حفظ، تغییر و منتقل می شوند. همچنین این رویکرد معتقد است

که انتقال اطلاعات فرهنگی همیشه دقیق نیست و این عدم دقت، فرصتی را برای تغییر و نوآوری فراهم می‌کند؛ به‌عبارت دیگر، در حین انتقال اطلاعات، ممکن است تغییرات کوچکی ایجاد شود که به مرور زمان منجر به تغییرات بزرگ‌تر فرهنگی شود. رویکرد تکامل فرهنگی به دنبال درک مکانیسم‌های خاصی است که از طریق آن، اطلاعات فرهنگی منتقل می‌شود و اینکه چگونه این مکانیسم‌ها می‌توانند باعث ایجاد تغییرات فرهنگی شوند (*Rebreps, 1998; Enieh, 2015*).

مکانیسم انتقال اطلاعات در این رویکرد به تغییر فرهنگی را در قالب دو دسته کلی می‌توان توضیح داد:

انتقال جانبدارانه: انتقال اطلاعات فرهنگی به‌طور تصادفی اتفاق نمی‌افتد. بلکه، انسان‌ها تمایل دارند که برخی از اطلاعات را بیشتر از سایرین منتقل کنند. به‌عبارت دیگر، انتقال اطلاعات فرهنگی اغلب تحت تأثیر سوگیری‌های مختلف است (*Enieh, 2001*).

انتخاب فرهنگی: علاوه بر سوگیری‌ها، خود محتوای اطلاعات نیز در انتقال آن نقش دارد. برخی از ایده‌ها و باورها به دلیل ویژگی‌های خاص خود، مانند جذابیت، مرتبط بودن با بقا یا حداقل مغایرت با شهود، به احتمال بیشتری منتقل می‌شوند (*Nosrehci, et. al, 2016*).

بر اساس این رویکرد فرآینده شکل‌گیری و پیشرفت فرهنگ از زوایای مختلفی وجود دارد. این رویکرد می‌تواند به توضیح اینکه چرا برخی از ارزش‌ها، باورها و رفتارهای خاص در فرهنگ‌های مختلف شکل گرفته‌اند، کمک کند. این رویکرد معتقد است که فرهنگ‌هایی که در آن‌ها پاسخ به توهین یا تجاوز بسیار شدید است، ممکن است در محیط‌های با شرایط سخت و نهادهای ضعیف شکل گرفته باشند. در چنین شرایطی، حفظ آبرو می‌تواند راهی برای پیشگیری از خشونت باشد. ادیانی که خدایان قدرتمند دارند، ممکن است به دلیل اینکه همکاری درون گروهی را افزایش می‌دهند و باعث می‌شوند که افراد با انگیزه بیشتری به قوانین اخلاقی پایبند باشند، توسعه‌یافته باشند. این ادیان همچنین می‌توانند با ایجاد حس خویشاوندی ارزشی، رفتارهای نوع‌دوستانه را در بین افراد غیر خویشاوند ترویج کنند. از سوی دیگر جوامعی که در معرض تهدیدهای بیشتری قرار دارند، مانند جنگ یا بیماری‌های واگیردار، ممکن است هنجارهای اجتماعی قوی‌تری ایجاد کنند. این هنجارها می‌توانند به هماهنگی اجتماعی کمک کنند. این رویکرد همچنین می‌تواند به توضیح چگونگی تکامل گرایش‌های انسانی در سطح گونه‌ای، مانند همکاری و عدالت، کمک کند (*Purzycki; et. al, 2016*).

با توجه به رویکردی که در این جا مطرح شده نیاز است که نقش زنان را نیز در بحث تغییرات فرهنگی مورد توجه قرار دهیم برای توضیح این نکته نیاز است که مشخص کنیم که تغییرات فرهنگی در کدام سطح خود را نشان می‌دهد. اگر تغییرات فرهنگی را فرآیندهای پویایی بدانیم، این فرآیند پویا تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارند، از جمله فشارهای خارجی، تناقضات داخلی و تعاملات با فرهنگ‌های دیگر. در حوزه فشارهای خارجی می‌توان به تغییرات در محیط، مانند جهانی شدن، که منجر به پذیرش شیوه‌های فرهنگی جدید شود. به‌عنوان مثال، افزایش مهاجرت و قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها، تبادلات فرهنگی را تسهیل می‌کند (*Mikautadze, 2022*). تناقضات داخلی ارتباط پیدا می‌کند با بازیگران فرهنگی که ممکن است از طریق تعاملات اجتماعی و تجربیات شخصی، تغییر را آغاز کنند و منجر به پذیرش شیوه‌های پایدار شوند (*Berdimuratova, 2023*).

از سوی دیگر در درون جامعه تغییر فرهنگی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که نقش حیاتی در شکل‌دهی و تحول هنجارها، ارزش‌ها و شیوه‌های فرهنگی ایفا می‌کنند. این عوامل شامل زنان به‌عنوان کاتالیزور تغییر، رسانه‌ها به‌عنوان ارتباط‌دهندگان قدرتمند و پویایی‌های گسترده‌تر جامعه که تسهیل‌کننده سازگاری فرهنگی هستند، می‌باشند. درک این عوامل، بینش‌هایی را در مورد مکانیسم‌های تکامل فرهنگی و پیچیدگی‌های موجود در این فرآیند فراهم می‌کند.

زنان به‌عنوان عوامل مهم تغییر فرهنگی ظهور کرده‌اند، این گروه اجتماعی به‌ویژه از طریق مشارکت آن‌ها در زندگی عمومی و سیاست‌گذاری، در زمینه تغییر فرهنگی، به ظهور می‌رسد. مشارکت زنان در سیاست، تأثیر آن‌ها را تقویت کرده و بر هنجارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد و منجر به سیاست‌های برابرتر می‌شود. همین مسئله باعث می‌شود تا زمینه تغییر که در قبل، صرفاً بر اساس نیازهای مردان بوده است، امروز بر اساس نیازهای زنان نیز تغییر یابد. از سوی دیگر با حضور و اشغال جایگاه و پایگاه‌های اجتماعی توسط زنان به نوعی با این مسئله مواجه هستیم که دسترسی به این گروه به منابع و کنترل بر آن منابع، زنان را قادر می‌سازد تا نقش‌های سنتی را به چالش کشیده و از تغییرات حمایت کنند. شاید آخرین متغییری که باعث پررنگ شدن نقش زنان در تغییرات فرهنگی شده است، بحث جنبش‌های زنان است؛ می‌توان این نظر را پذیرفت که جنبش‌های اجتماعی از نظر تاریخی محرک تغییرات فرهنگی بوده‌اند، با حمایت از حقوق و برابری، در نتیجه ارزش‌های اجتماعی را بازسازی می‌کنند (*Markham, 2013*).

با توجه به مطالبی که بیان شد بحث خود را در زمینه تغییرات فرهنگی با جهت‌گیری از روحانیون (و در این تحقیق به صورت خاص امام) مورد بررسی و توضیح قرار خواهیم داد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به این که محقق به تحلیل متن اقدام می‌نماید، از روش تحلیل مضمون استفاده می‌کند. تحلیل مضمون از جمله روش‌های کیفی و توصیفی است که مبتنی بر ساختار نظری و نظریه خاصی نیست؛ به بیان دیگر پژوهشگر نیاز به داشتن ساختاری نظری خاصی برای استفاده از این روش نیست و این آزادی عمل را به پژوهشگر می‌دهد که با توجه به نظر خود پیرامون مضمون به تحلیل متن و داده‌های متنی خود بپردازد (*Braun & Clarke, 2006*). به‌طور کلی مضمون در این پژوهش عبارت است از یک ویژگی تکراری و متمایز در متن است که با توجه به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤال یا سؤال‌های تحقیق است (*King & Horrocks, 2010:150*). وقتی بخواهیم از این رویکرد کیفی در تحقیق خود استفاده کنیم لازم است که مراحل خاصی را بگذارنیم. (۱) کشف و شناسایی مضامین اصلی و فرعی؛ (۲) غربال کردن مضامین و کاهش آن‌ها به تعداد قابل کنترلی از مضامین مهم؛ (۳) تهیه سلسله مراتب مضامین، و (۴) ترسیم شکبه مضامین (*Ryan & Bernard, 2003*).

در این پژوهش نوعی متن کاوی مورد نظر است و از این رو، صحیفه امام به‌عنوان جامعه مورد مطالعه از دید پژوهشگر، می‌باشد. مضمون مرکزی مورد مطالعه «حجاب» است و سعی شده است که مضامینی که از این مضمون در قالب شبکه مضامین به دست آمده است در قالب روابط میان آنان به نمایش گذاشته شود.

مضمون حجاب در نگاه امام

در این صفحات در گام اول، گزارش بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران از برخورد با حجاب و مبارزه با آن که توسط سیستم ستم‌شاهی پهلوی اعمال گشته را از توجه به سخنان ایشان واکاوی می‌کنیم. آنگاه در گام دوم، بحث جایگاه عفت و حجاب و مسائلی که در ضمن آن در رابطه با شخصیت زن مطرح می‌گردد را بیان می‌داریم و نیز به نقش حجاب به‌عنوان مظهر عفاف و پاکدامنی پرداخته و گریزی به نقش عفاف و پاکدامنی در تربیت و هدایت جامعه می‌زنیم و می‌گذریم. در گام سوم، به آسیب‌ها و خساراتی که با عنوان آزادی یا رها نمودن زن از حصارها و قید و بندها مطرح گشته و مبارزاتی که دنیای غرب و جهان متمدّن با

این مسأله یعنی حجاب داشته و دارند و آثاری که بر عملکردها متصور است از دیدگاه امام خمینی پرداخته و مقاله را به انتها می‌بریم.

مضمون حجاب به‌عنوان مضمون مرکزی مورد بحث این تحقیق در ابعاد مختلف در نگاه امام مطرح شده است؛ شاید اگر بخواهیم از سویه تاریخی به این بپردازیم؛ می‌توان این مورد را به این‌گونه مورد بحث قرار داد.

۱- سابقه مبارزه با حجاب و انگیزه این کار از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام زیرکانه و با تیزبینی انگیزه مبارزه با حجاب را در این مرز و بوم در قالب و نکاتی بیان فرموده‌اند. اولین نکته‌ای که از دیدگاه ایشان مخفی نمانده، این بود که حتی نفس و اصل این کار که به وسیله سَر دودمان نظام پهلوی انجام شده یک مسأله تقلیدی بوده و در این کار کوچک‌ترین ابتکار عملی وجود نداشته است. مضاف بر آن، این تقلید و این کار کلیشه‌ای که در این مرز و بوم در مبارزه با حجاب انجام شد، تقلید از کسانی شد که از یک‌سو، خودباختگی آنان در مقابل نظام مسلط غرب در اوایل قرن ۲۰ میلادی مسلم بود و از سوی دیگر کسانی تقلید شدند که نه تنها خود باخته و فاقد استقلال بودند؛ بلکه به‌طور کامل در صدد وابسته کردن سیستم و نظامی که رهبری آن را داشتند به غرب برآمدند. می‌فرمایند:

«کشف حجاب به تقلید از آتاتورک[۱] بی‌صلاحیت انجام شد.» (*Imam Khomeini, 2000, Vol. 3, 229*). پیامدی که امام بر کشف حجاب اعتقاد داشتند، پیروی کورکورانه از غرب بود.

دومین نکته که در همین مبحث متذکر می‌گردند این است که کشف حجاب که در این ایران و ترکیه اتفاق افتاد، تنها یک عمل فرعی و ساده نبود. اینکه زنان را به اجبار وادارند از حجاب که نشانه حیا و عفت آنان است جدا شوند و با اجبار و زور، تن به کشف حجاب[۲] دهند، تنها، حلقه‌ای بود از سلسله اقداماتی که هدف از آنها مبارزه همه‌جانبه با اصالت‌ها و ارزش‌های جامعه و در یک سخن، مبارزه با تمامیت ارزش‌های دینی و وابستگی مذهبی و دژهای محکم انسانیت بود.

---

[۱] رهبر ترکیه پس از فروپاشی سیستم امپراطوری عثمانی رهبری این بخش از امپراطوری تجزیه شده را به عهده گرفت و او را پدر ترک‌ها لقب دادند (آتا در ترکی یعنی پدر).

[۲] از اوایل دهه دوم این قرن، سال ۱۳۱۲، به حجاب زنان حمله کردند و آن را از سر زنان برداشتند که به این عمل، کشف حجاب گفته شد و این واژه به تدریج متداول گردید.

«کشف حجاب با آن فضاحت انجام شد. خدا می‌داند که به این ملت چه گذشت. در این قضیه کشف حجاب، حجاب انسانیت پاره شد» (*Imam Khomeini, 2000, Vol. 3, 299-300*). پیامد دومی که امام بر کشف حجاب قایل بودند گام به گام و قدم به قدم وابستگی به بیگانگان بود؛ و شاید یکی از اهداف فرعی این بود که جریان قدرت‌آزمایی راه انداخته که ببینند جامعه تا چه حد تحمل ساختارشکنی را دارد. ناکامی مقاومت مردم در جریان حمله به مسجد گوهرشاد مشهد و سرکوب شدید و اقدام‌های رذیلانه‌ای چون تحمیل قرارداد استعماری، امتیاز نفت دادرسی و مقدمات دادن امتیازهایی همچون قضاوت کنسولی برای غربی‌ها از اهداف همین مورد بود. عمق فجایع و ستمگری و هتاکی سیستم ستم‌شاهی نیز در گزارش امام این‌گونه بیان می‌گردد:

«در زمان رضاخان، در همین قم و نسبت به بانوان محترم این شهر و همه شهرها او و به تبع کسانی که به او تعلیم می‌دادند به اسم کشف حجاب هتک حرمت اسلام، هتک حرمت مؤمنین، هتک حرمت بانوان ما چقدر کار کردند. مأمورهای رژیم با خانم‌ها و مخدرات ما چه کار کردند. چگونه سلوک کردند. چقدر پاره کردند چادرهای آنان را، به یغما بردند چادرها و روسری های آنان را» (*Ibid: 356-357*). پیامد ناگوار و وحشیانه‌ای که بر این اقدامات مترتب گردید، حذف فیزیکی و کشتار گروهی از مردم این سرزمین بود.

نکته سومی که امام در بحث مبارزه با حجاب به وسیله نظام ستم‌شاهی مطرح می‌نمایند این است که این مبارزه با حجاب به وسیله رضاخان، سردودمان سلسله پهلوی، به نوعی تحقیر همه اقشار و طبقات جامعه، و خوار و ذلیل‌نمودن آنان بود. تا اینکه بتوانند کل جامعه را به سان و در شأن و جایگاه گله‌ای از حیوانات اهلی قرار داده که زور چوپان و قدرت رمه‌دار این گله یا رمه را در مسیری که او اراده می‌نماید حرکت دهد. با این تفاوت که در گله و رهبری چوپان، استقلال رأی و نظر برای چوپان هست که در اینجا این حسن را نیز فاقد هستیم؛ چرا که خود سران نظام وابستگان بی‌تدبیر و دست‌نشاندگان بی‌اراده‌ای بیش نبودند.

آری، هدف این بود که مردم را به‌گونه‌ای آموزش دهند و با ترتیبی و تربیتی آنان را هدایت کنند که هیچ‌گونه نقشی و حتی احساس نقش‌داشتن در سرنوشت خود نداشته باشند. هدف اسارت انسان‌ها بود و این کار را با تجاوز به حریم عفاف و به اصطلاح کشف حجاب آغاز نمودند و غیرت جامعه و جمعیت و تعصب و ناموس‌گرایی و حفظ نوامیس را به تمسخر و ریشخند گرفتند. بیان ایشان را بنگریم:

«قضیه کشف حجاب یک مطلبی نبود که این‌ها می‌خواستند زن‌ها را مثلاً ده میلیون را در جامعه وارد کنند این‌ها یک دستوراتی بود که این‌ها از خارج می‌گرفتند[۱] و برای اسارت ما اجرا می‌کردند. شما شاید هیچ کدامتان یادتان نباشد[۲]... اما من تلخی (تلخ‌کامی) این کشف حجاب که این‌ها انجام دادند و پسر رضاخان اسمشان[۳] را آزاد زنان و آزاد مردان گذشت، در ذائقه‌ام هست. من تلخی‌اش را هنوز در ذائقه‌ام دارم. شما نمی‌دانید چه کردند با این زن‌های محترمه و چه کردند با همه اقشار؛ الزام می‌کردند هم تجار و هم کاسب‌های جزء و هم روحانیت را. هر جا زورشان می‌رسید به اینکه مجلس بگیرند و زن‌هایتان را بیاورید در مجلس عمومی[۴]، آن وقت اگر این‌ها تخلف می‌کردند کتک دنبالش بود» (*Imam Khomeini, 2000, Vol. 3, 191*). پیامد فاجعه بار این عملکرد و زدودن شخصیت انسان‌ها و تحقیر واقعی آنان بود.

مضامین به کار رفته در بحث حجاب در این جا نوعی نگاه تاریخی را به یک واقعیت بیان می‌کند؛ عنصر حجاب یک فرهنگ بومی بوده است که بر اساس نظریه تکامل فرهنگی به واسطه نوعی انتقال جانبدارانه از سوی حکومت به انجام رسیده است. البته در طی دوره بعد نوع این انتقال جانبدارانه تفاوت حاصل کرده است. اگر در دوره اول این امر با زور همراه بوده است، در دوره دوم به‌عنوان نوعی تعامل با جهان جدید و مدرنیته به جامعه معرفی و از سوی رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. زنان در این جا به‌عنوان جامعه هدف تحول جامعه شناخته شده است.

۲- عفت و حجاب و نقش آن در سازندگی جامعه و صلابت و تربیت نسل‌ها

از آنجا که هم‌زمان و در ردیف اقدام‌های خشونت‌بار برای حجاب‌زدایی در جامعه تبلیغات گسترده‌ای صورت می‌گرفت که در این تبلیغات حجاب و عفت زنان را عامل عقب‌ماندگی آنان معرفی کرده و اهمیت دادن این دین به حجاب را، زمینه ذلت و خواری و در نتیجه تبعیض و نابرابری نسبت به زن‌ها در مقابل مردها قلمداد می‌نمودند. امام در مواضع متعدّدی، به‌خصوص

---

[۱] مقصود فرمان‌ها و برنامه هایی بود که رهبران کشورهای غربی می‌دادند کسانی مانند رضاخان و پسرش نسبت به آنان مزدورانی بیش نبودند و ناچار به اجرا بودند.

[۲] خطاب متوجه مخاطبان که شرکت‌کنندگان ایرانی کنفرانس دهه زن در کپنهاک در سال ۱۳۵۹ است.

[۳] کسانی که با آنان چنین تعاملی داشتند که به حجاب آنان حمله و آن را ربودند.

[۴] برای تعلیم دادن و فراگیری بی‌حجابی و برای این که زمینه روانی ایجاد کنند که کسی جرأت مخالفت نداشته باشد.

در ایامی که به نام و یاد حضرت زهرا (س)، بزرگ بانوی اسلام، مثلاً در سالگرد ولادت ایشان مراسمی در محضرشان منعقد می‌شد. با تجلیل از حضرت زهرا (س) به مبارزه با این اندیشه‌های فاسد پرداخته و مبین می‌نمودند که این‌گونه سخن‌ها و این‌گونه "فروعی" همچون حجاب و عفت را مورد هجمه قرار دادند، هر چند در ظاهر و در دیدگاه اولیه نقد و نهایت رد یا تردید در "فرعی دینی" است؛ ولی در واقع پشت این‌گونه اعمال و ورای این‌گونه به اصطلاح نقادی مبارزه با کلیت دین و تنازع و مقابله با اصل اسلام است.

ظرافت این نوع نظر که با حمله به یک مسأله فقهی که "مبتلا به" و مورد عمل و نظر نیمی از جمعیت جامعه است در نتیجه و واقع حمله به "کلیت دین" و نشان از سوء نظر و قصد تخریب یک فرهنگ کامل را دارد. مسأله‌ای بود که چه بسا بسیاری از ظریف اندیشان نیز در آن شرایط به آن پی نمی‌بردند. در مقابله با آن مسأله صریح می‌فرمودند: «پیامبر اسلام دست زن را گرفت و از منجلاب عذاب نجات داد. تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا به این مولود شریف است» (*Imam Khomeini, 2000, Vol. 3, 316*).

بیانات فوق در تاریخ چهارم اردیبهشت سال ۱۳۶۰ هم‌زمان با سالگرد ولادت حضرت زهرا (س) صورت گرفته است و مقصود ایشان از مولود شریف حضرت زهرا (س) می‌باشد. پیامد مهمی که این‌گونه اقدامات علیه برخی از فروع دین انجام می‌شد، داشت. این بود که راهی باز شود که با طی پله، پله آن کلیت دین و تمامیت شریعت خدشه‌دار گردد.

ایشان از فرصت بیان فضائل و مناقب بزرگ بانوی اسلام استفاده کرده و ویژگی‌های تفکر دینی راجع به ارزش زن و اعتبار آن را که در سایه عفاف و حجاب بوده و در عین رعایت این ارزش هیچ‌گونه منافاتی با عزت و عظمت و تعالی زن نداشته، چرا که کمال زن از اسباب خاص خود ایجاد می‌شود، این‌گونه بیان می‌نمایند:

«تا نشان دهند[1] که زن بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست. این روز روز حیات زن و روز پایه‌گذاری افتخار و حق او در جامعه است[2]» (*Ibid: 316-317*).

نکته دیگری که در فرمایشات امام به آن اشارات رسا و بلیغی شده، این است که حجاب زن و حفظ عفاف، نه تنها منافاتی با فعالیت اجتماعی زن ندشته، بلکه زن با حفظ حجاب و

---

[1] چون بحث راجع به احترامات ویژه پیامبر اکرم (ص) نسبت به حضرت زهرا (س) بوده مقصود از نشان دهند؛ یعنی پیامبر اکرم نشان دهند.

[2] این سخنرانی در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۰ مصادف با سالگرد ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن انجام شده است. پس، منظور از این روز، روز ولادت حضرت زهرا است.

عفاف کامل می‌تواند حضور فعال و بی‌بدیل در جامعه داشته باشد و نه تنها این کار ممکن است؛ بلکه آنجا که ضرورت اقتضا و تکلیف ایجاب کند، این قشر عظیم جامعه، یعنی زنان ما می‌بایست با تمام توان و با تمام ظرفیت یا به اصطلاح پتانسیل خویش به نقش‌آفرینی خود اقدام نمایند.

امام به این حقیقت، از دو بُعد، یکی بعد تحقیق این مسأله و عملی‌شدن آن، یعنی به واقعیت تاریخی چنین عملکردی اشاره داشته و از سوی دیگر، در مواضع و مناسبت‌های مختلفی به جنبه دیگر مسأله که یک وظیفه و یک رسالت قطعی برای زنان است، پرداخته‌اند:

«بحمدالله زن‌ها چنانچه مسائلی برای عموم پیش آمده است، مسائلی برای ایران، پیش قدم بوده‌اند در مسأله تنباکو در مشروطیت در مسائلی که ما الان داریم[1] حظ وافر دارند؛ بلکه باید بگویم حظ دو چندان دارند. خودشان جنگ می‌کنند. مردها را که یک احساسی دارند و نسبت به زن‌ها حساسیت دارند. مردها را قوتشان را دو چندان می‌کنند» (*Imam Khomeini, 1985, Vol. 3, 299*).

امام با تعبیری همچون حظ فراوان یعنی سهم، بهره و یا نقش زیاد و در جای بعدی حظ دو چندان یعنی نقش و سهم دو برابر را برای زنان در کارهایی همچون جنگ قائل بودند و معتقد بودند که قوه مردان یعنی توان و ظرفیت و نقش مردان نیز به وسیله زنان تشدید و حتی به تعبیر ایشان مضاعف و دو برابر می‌گردد. این‌گونه سخن دلیل بر این است که در فرهنگ یک انسان مسلمان معتقد به حجاب و عفاف، هرگز نقش سازندگی و به اصطلاح تاریخ‌سازی زن نه تنها فدای حجاب و عفاف او نمی‌گردد؛ بلکه چون به دین از دیدگاه و مسلک و منظر کلی و فراگیر می‌نگرد، همان انسان‌های خواهان عفاف و حجاب، این نقش حضور، آن هم حضور جدی و سرنوشت‌ساز را در تاریخ به زن می‌دهند. در نقطه مقابل پیامدهای منفی و ساختارشکنانه تأکید بر حفظ حجاب و بهره بردن از زنان با پوشش مناسب زمینه بارآوری و جایگزینی در صحنه اجتماع را برای آنان فراهم ساخت.

بصیرت خاصی که در ارائه مطالب فوق شاهدیم، آن است که امام این ضرورت حضور و این لزوم مشارکت همه جانبه زن در مسائل اجتماعی، خصوصاً دفاع از حریم و کیان وطن اسلامی و دفاع از حیثیت جامعه را مصحّح و مجوّزی بر این امر قرار نمی‌دهند. ایشان اجازه نمی‌دهد کسانی برای انجام این کار و رسیدن به نقطه اوج این وظیفه، حجاب و عفاف را

[1] با توجه به این که این سخنرانی در روز ۱۱ اسفند ۱۳۶۴ انجام شده مقصود از مسائلی که الآن داریم جنگ تحمیلی بین ایران و عراق بوده است.

کم‌بهاء شمرده و برای انجام آن، رسالت این وظیفه، یعنی حفظ حجاب و رعایت حریم عفاف قربانی شود؛ بنابراین هشدار می‌دهند که:

«محیط باید سالم باشد. باید دفاع کنیم و بدانیم چه‌جور دفاع کنیم. در آن محیطی که شما تعلیم نظامی می‌بینند باید محیط صحیح باشد[1]. همه جهات عفاف محفوظ باشد. همه جهات اسلامی محفوظ باشد» (*Imam Khomeini, 2000, Vol. 3, 319-321*).

امام، به تعلیم نظامی که مقدمه حضور در صحنه دفاع و مبارزه با رقیب است تأکید دارند؛ اما، حتی در این مقوله رعایت جامعیت دین و حفظ همه شؤون و از جمله عفاف و حجاب را متذکر می‌شوند. واضح است وقتی حتی در بحث تعلیم نظامی و دفاع در جبهه و سنگر که یک محیط استثنایی و با شرایط خاص است، هیچ راهی برای خروج از جاده حجاب و حفظ عفت پیش‌بینی نباشد، مسلم است و به اصطلاح، با اولویت قطعی در سایر فعالیت‌های اجتماعی و نقش‌آفرینی‌های مدنی و تلاش‌های عمومی و موقعیت‌های دیگر که هرگز حساسیتی تا این حد نداشته و حالت استثنایی نیز دارند، حفظ عفاف و عدم خروج از چهارچوب حجاب، لازم بوده و به هیچ عنوان مجوزی برای کم‌بهادادن یا عدم‌حفظ نیست.

امام با دقت خاص خویش به این نکته توجه داشتند که به هر تقدیر و به هر صورت، در گذشته جامعه اسلامی شرایطی ایجاد شده و درب‌ها در محور پاشنه‌ها و چهارچوبه‌های خاصی چرخیده‌اند که با توجه به این گذشته و این رنج و درد مزمن تاریخی، زنان ما نتوانند آن نقش اصیل و آن موقعیت خاص خویش را به دست آورند. در موارد متعدّدی این استضعاف، یعنی به ضعف کشیده شدن زنان، علاوه بر سابقه تاریخی با سنت‌های غلط اجتماعی و قرائت‌های بیگانه از روح دین و احیاناً انحصارطلبی مردان و سایر عوامل، دست به دست هم داده و این تلقی را برای خود زنان ایجاد کرده‌اند که بر آنان ایفای نقش اصلی شایسته نیست و حتی آنان خود را در «درجه دوم» بیندازند. اینجا بود که به حق باید به فعالیت‌های صادقانه و کارهای عالمانه و متعهدانه‌ای که برای احیای شخصیت زن انجام شد و اهمیتی که برای بازسازی این شخصیت فراموش شده پس از انقلاب اسلامی در ایران انجام شد اعتراف کرد. باید بر این تلاش و به‌خصوص کار عظیمی که امام در این راستا انجام دادند آفرین گفت. امام در کلام و عمل مشوّق چنان تلاش‌ها و احیاگری‌ها بودند و علاوه بر این، با تشویق دستگاه‌ها و

---

[1] با توجه به این که مخاطبان، بانوان جامعه الزهرا و بسیج و تهیه‌کنندگان و بانوان شاغل در برنامه رادیویی خانواده و دفاع مقدس بودند تعبیر شما منظور زنان است و مقصود از محیط صحیح یعنی سالم از عوامل فساد انگیز. به دور از تجاوز به حریم حجاب و عفاف.

سازمان‌های مسئول و مرتبط به امور زنان، توصیه داشتند که اهمیت کار را دریابند و در انجام و حسن اقدام، در این فعالیت کوتاهی نکنند:

«امیدوارم دستگاه‌ها به شما کمک کنند و آن چیزی که به آن احتیاج دارید و هر امری از امور در فرهنگتان و در تعلیم و تعلمتان[۱] را برای شما فراهم نمایند» (*Imam Khomeini, 1985*). پیامد مهم اجتماعی که امام از توجه به حجاب انتظار داشته بازسازی شخصیت و استقلال کامل انسان‌ها بود.

او نه تنها زنان مسلمان ایرانی را به کوشش در راه احیای ارزش و شخصیت خویش تشویق و ترغیب می‌نمودند؛ بلکه با توجه به ارزش‌آفرینی و حماسه‌سازی که از زنان ایرانی متعهّد و معتقد به حجاب و عفاف سراغ داشتند و آن نقشی که زنان در استضعاف‌زدایی بازی نموده‌اند، این امید را داشتند و این ایده را می‌پروراندند که زنان سایر نقاط جهان با الگوگیری و سرمشق قراردادن «زن متعهد، عفیف و با حجابِ فعال در صحنه اجتماعی و احقاق‌گر حق خویش» به وضعیت موجود غیرعادلانه خود در جهان پایان دهد. می‌فرمودند:

«امیدوارم که خانم‌های مسلمین در هر جا هستند اقتدا کنند[۲] به شما که کوشش دارید برای اینکه ارزش زن را هر چه بالا ببرید و آن ظلمی که به شما در آن زمان شد را با کوشش خودتان جبران کنید» (*Ibid*).

حق‌شناسی، تقدیر از زحمات و تلاش‌های فکری، پاسداشت کوشش زنان در عرصه‌های مختلف کار دیگری بود که آن عزیز در بیانات خود بر آن تکیه و تأکید داشت. او در بیانات خود که به‌خصوص در دهه شصت و هفتاد دوران رهبری ایشان به علت جنگ تحمیلی، خانواده‌ها و مردم و مادران مواجه با مصائب فراوان و از دست دادن جوانان و عزیزان گشته و گاه همه چیز و همه حاصل عمرش در طبق اخلاص به عزت وطن هدیه شده بود و چه بسا در نیمه راه احیای ارزش‌های خود، ممکن بود نوعی یأس و سرخوردگی را تجربه کند و بیم آن می‌رفت که به آن دچار گردد سعی داشت از این وضع جلوگیری نموده و با سخنان از دل برآمده و لاجرم بر دل‌نشین خود، حربه رقیب را که اظهار می‌داشت اسلام، زن را با چشم تحقیر می‌نگرد، کُند یا نابود نماید. در خطاب به رزمندگان دارند:

«همان‌طور که بانوان ایران جانشان را و وقتشان را وقف اسلام کردند تا شماها در صحنه باشید و تا شماها در صحنه هستید جوان تربیت می‌کنید و جوان می‌دهید این اسلام به پیش

---

[۱] تعلیم آموزش به دیگران دادن است و تعلم، خود آموزش دیدن است. به ترتیب مصدر باب تفعیل و تفعل.

[۲] اقتداء: پیروی کردن را می‌گویند. کسی را مقتدا می‌نامند که راه او به وسیله دیگران دنبال شود و با رهبری او حرکتی انجام گردد.

می‌رود[۱]» (*Imam Khomeini, 1985*). پیامد مهم این‌گونه آموزه‌ها تداوم‌بخشی و گستردگی نقش زنان نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام بود.

بحث دوم از مضامین که به صورت صریحاً به امر حجاب نمی‌پردازد ولی در بحث زنان و در ادامه آن قرار می‌گیرد؛ می‌توان در قالب تشویق زنان و نگاه ستایش‌آمیز داشته به آن باشد. مضمون مرکزی این نگاه فعال بودن زن مسلمان است. این امر بر اساس نگاه نظری این تحقیق مبتنی بر نوعی تکامل فرهنگی مبتنی بر اختیار است. اختیاری که خود افراد این فضا را برای تحول و تکامل ایجاد می‌کنند. این انتخاب هم متکی به زمان است و هم متکی به نگاه دینی است. به بیان دیگر چه در دوران مشروطه و چه در دوران جنگ یک زمان و فضا برای شرکت بانوان ایجاد شد. از سوی دیگر نگاه شیعه و عالمان نیز این تحول و حرکت زنان را تایید می‌کند. این دو مورد همراه با انتخاب زنان برای تحول در فرهنگ و حضور آنان در جامعه موجب می‌شود، تغییر اساسی در وضعیت آنان شکل گیرد.

۳- ادعاهای آزادی‌طلبی و تلاش برای آزادی زن از حصار و ارزش آن از دیدگاه مرحوم امام خمینی (ره)

امام به خوبی توجه داشتند که چه بسا دوری زنان از آگاهی‌های لازم و فاصله آن‌ها از دخالت در تحولات اجتماعی از یک سو، و از سوی دیگر استفاده ابزاری دنیای متمدّن از شعار آزادی و خصوصاً آزادی زن و برابری او با مردان، چه دام بزرگ و سهمگینی برای به زیر سلطه کشیدن آنان است و این بار، این کار با نام مقدس آزادی و استفاده از شعار عمیق و اصیل برابری انسان‌هاست. این بود که جا به جا و بارها این مسأله را متذکر می‌شود که باید هشیار بود. نباید فریب شعار را خورد. نباید یک سویه و یک‌طرفه دید.

در ضمن ایشان در مقاطع خاصی که در دنیا مثلاً تحولی اتفاق یا در یک سوی جهان به حریم پیامبر اکرم اسلام اهانت می‌شد یا ارزش‌های دینی مورد هجوم واقع می‌شد، به عاملان این اعمال تاخته و کار آنان را تقبیح می‌نمودند. در همین موارد، رقیب به جای دفاع از عمل‌کرد خویش اقدام به زیرسؤال‌بردن عفت و حجاب در جامعه اسلامی و عامل تحقیر شمردن حجاب می‌کرد. امام متوجه بودند که این کار به قول اصطلاحی نوعی فرافکنی و شبهه‌انگیری برای فرار از جواب پذیرش مسئولیت خویش در آن کار غیر صحیح و توجیه افترازدن و هجوم آنان است:

---

[۱] خطاب شما و شماها به رزمندگان و زنان که از مناطق مختلف خصوصاً مناطق جنگی جنوب ایران و غرب کشور به حضور ایشان رسیده بودند می‌باشد.

«احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کم‌رنگ‌کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم می‌باشد» (*Imam Khomeini, 1989*)

جغرافیای بیان این مطلب که ظاهراً بعد از هتاکی نویسنده‌ای به نام سلمان رشدی به حریم پیامبر بزرگ اسلام بود و موج عظیمی از اعتراض و مخالفت در سراسر جهان اسلام را به همراه داشت نشان می‌دهد که امام با چه زیرکی خاصی اعتقادات و به عبارت بهتر نقش تخریبی که در آن زمان رسانه‌های غربی علیه حجاب داشتند را در چه حال و هوایی ارزیابی می‌فرمودند. در جای دیگری دارند:

«الزام زنان و دختران به رفع حجاب عین دموکراسی است[۱]؟! ولی اینکه ما گفتیم که کسی که به پیامبر اسلام توهین کند (و خود را مسلمان بداند، مرتد تلقی می‌گردد) و اجماع فقهای مسلمین فتوای به مهدور الدم بودن او را دارند خلاف آزادی است» (*Ibid:329*).

یا در موضع دیگری باز می‌فرمایند:

«چرا در دنیا در برابر کسی که اجازه نمی‌دهد دختران مسلمان با خواست خویش با پوشش اسلامی وارد دانشگاه شده و درس بخوانند سکوت می‌شود».

که با توجه به مطالب بالا ایشان می‌خواهند استفاده کنند که این شعار آزادی دادن با عمل آنان در تناقض است.

سطح دیگر بحث امام با این مضمون مرکزی همراه است؛ حجاب یک امر فراملی برای زنان. فراملی دانستن حجاب برای تمام زنان مسلمان و داشتن چنین چیزی از سوی آنان نوعی ارائه نگاه فرادستگاهی و فراملی به امر حجاب و تأکید بیشتر بر لزوم حفظ آن در جامعه است. توجه به بحث وجود نگاه آزاد به حجاب موجب می‌شود که مانع در مقابلش نوعی سوگیری تخاصمی تلقی شود؛ و تغییر در پوشش زن مسلمان، عنصر سوگیری خشن رویکرد فرهنگی غرب به آن بازنمایی گردد. این بازنمایی نشان دهند غلبه اجبار به جای اختیار و نبودن مفهوم آزادی برای افراد را به همراه دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال آن بودیم تا مشخص نماییم که مضامین مرتبط با بحث حجاب و پیامدهای اجتماعی این پوشش در دیدگاه امام خمینی (ره) چه بوده است؟ برای پاسخ به این

---

[۱] اشاره به کارهایی که در آن روزگار در فرانسه و حتی کشورهایی مثل ترکیه برای ممانعت از ورود دختران با حجاب به دانشگاه‌ها می‌شود. به ناچار آنان را وادار به برداشتن حجاب خود می‌کردند.

سؤال به استفاده از روش تحلیل مضمونی و به شیوه صرفاً توصیفی پرداختیم. بر اساس چارچوب نظری تغییر فرهنگی که در این نوشتار به آن پرداخته شد؛ مشخص گردید که امام حدقل پیرامون حجاب دو دیدگاه را صریحاً دارند. در مضامین صریح ایشان اجبار به بی‌حجابی در غرب و دوران پهلوی را مورد بحث قرار داده‌اند؛ که نشانه آن است که در تحول فرهنگی هر دو نوعی اجبار و یا انتقال جانبدارنه خشن برای تحول فرهنگی وجود داشته است. در یکی این تحول نوعی رسیدن به کاروان تمدن مدرن نشان داده شده است و در دیگری نوعی پیروی از قانون، قانونی که قرار نیست به همه اتباع یک جامعه به صورت یکسان نگاه کند. در سوی دیگر بحث اختیار و تکاملی فرهنگی اختیاری مطرح شده است که این تکامل برگرفته شده از زمان و وجود دیدگاه مثبت تفکر شیعه برای مبارز بودن زنان و حضور آنان در میدان مبارزه است.

در نهایت می‌توان این نکته را نیز توجه داد که نمی‌توان دیدگاه امام را یک دیدگاه جامع پیرامون حجاب دانست؛ این نکته از آن رو است که ایشان حداقل در طول دوران بعد از انقلاب به‌صورت صریح از بحث و درس کناره‌گیری نمودند و نظراتشان صرفاً مبتنی بر تحلیل وضعیت موجود بر اساس یک استنباط فقهی بوده است و هیچگاه نخواسته‌اند که یک تحلیل عمیق و تبیین بنیادین از این مسئله ارائه دهند. از این‌رو می‌توان کاستی‌های مختلفی را به این دیدگاه گرفت؛ ولی نباید فراموش کرد که این دیدگاه صرفاً بیان یک سیاستمدار روحانی عمل‌گرا در مقابل مسائل «مبتلا به» است.

References:

Ahmadi, J. (2008). The Appearance of Hijab and Chastity in Verses and Narrations, Qom, Zareh. (Persian).

Akhavan Kazemi, M.; Kazemi, S. Sh.; Dehghani, R. (2015). "Analysis of the Role of Imam Khomeini in Realizing the Transcendentalism of the Islamic Discourse during the Islamic Revolution of Iran", Islamic Revolution Studies, No. 42, 9-26. (Persian).

Ansari, M. A. (1977). Woman from the Perspective of the Holy Quran, Mashhad, Bayan Hedayat al-Nur. (Persian).

Bay, .H. A. (2015). Woman and Family, Legal Issues, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute. (Persian).

Beheshti, A. (2000). Chastity Charter, Qom, Bostan Book. (Persian).

Fadlallah, M. H. (2012). Islam, Women and a New Quest, translated by Hamid Moradi, Qom, Bostan Book. (Persian).

Ibn Manzur, Muhammad Ibn Mukarram, (2002). Lisan al-Arab, Beirut, Institute of Arab History. (Persian).

Javadi Amoli, A. (2008). Women in the Mirror of Glory and Beauty, Qom, Israa. (Persian).

Kadivar, J. (2009). "A Study of Imam Khomeini's (PBUH) Discourse on Women", Matin Journal, No. 39, 61-76. (Persian).

Makarem Shirazi, N. (2008-2009), Moral Verses, Qom, Imam Ali bin Abi Talib. (Persian).

Malek Mohammadi, A.; Maleki, F. (2008), Rayeha Afaf, Qom, Shahab al-Din. (Persian).

Mousavi Khomeini, R. (2000). Sahifa Imam, 23 vols., Tehran: Institute for Publishing and Editing the Works of Imam Khomeini. (Persian).

Parsa, T. (2008). Women's Clothing in the Scope of History, Qom, Ahsan Al-Hadith. (Persian).

Razavi, M. (2007). A Gem in the Shell of Hijab for Girls and Women Taken from the Quran and Hadiths, Qom, Asr Jawan. (Persian).

Researchers at the Center for Culture and Education of the Quran and Hashemi Rafsanjani, A. (2007). Culture of the Quran, Qom, Bostan Book. (Persian).

Sajjadi, S. J. (2009). Dictionary of Islamic Education, Tehran, Iranian Authors and Translators. (Persian).

Tojahi, A. A.; Haqmohammadi Fard, Z. (2011). "Women's Social Activities and Their Conflict with the Rights of the Spouse with Emphasis on the Thoughts of Imam Khomeini (RA)", Matin Research Journal, No. 52, 39-62. (Persian).

Ziba'nejad, M. R.; Sobhani, M. T. (2009). An Introduction to the System of Female Personality in Islam, Qom, Women's Studies and Research. (Persian).

The Consequences of Hijab in Imam Khomeini's Viewpoint

Hossein Izadi (Ph.D)[1]

DOI: 10.22055/QJSD2025.48316.3004

Abstract:

This research aims to investigate the views of the founder of the Islamic Republic on "hijab". The main question raised in this research is: What is hijab from Imam Khomeini's perspective, and what are its consequences? To answer this question, using the perspective of cultural change and the evolutionary approach to culture, and employing a descriptive thematic analysis method, we seek to examine the remaining texts of Imam Khomeini on this central theme. The results of this study show that, on the one hand, his viewpoint is based on the idea that the opposition to hijab is a one-sided transfer in the realm of cultural evolution between the West and Iran during the Pahlavi era; in a way that both the monarchy and its Western supporters coercively tried and are trying to eliminate it. On the other hand, another theme is based on the freedom of choice in the realm of cultural transformation, where the hijab-wearing woman is active both in the Constitutional Revolution, the Islamic Revolution, and during the war.

Key Concepts: *Hijab, Imam Khomeini, Thematic Analysis, Cultural Evolution, Cultural Change*

[1] Assistant Professor, Department of Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, h.izadi@scu.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).